

## علل و مستندات حرمت ازدواج با غیرمسلمان<sup>۱</sup>

فائزه عظیمزاده اردبیلی<sup>۲</sup>

### چکیده

یکی از حکمت‌های ازدواج در نصوص دینی، بقای نسل است و از مهم‌ترین مسائل ازدواج، کفویت اعتقادی میان زوجین و حرمت ازدواج با بیگانگان است. در این مقاله سعی شده است مبانی و مستندات حرمت ازدواج زن یا مرد مسلمان با بیگانگان بر پایه آیات و روایات فقهی تبیین شود. از نظر فقهی اگر مردی با زنی از اهل کتاب ازدواج نماید، فرزندى که از زن زمی متولد می‌شود به مرد مسلمان ملحق می‌شود، ولی اگر زن مسلمان با مردی از اهل کتاب ازدواج کند، فرزند او به کافر ملحق است نه به مسلمان. به همین دلیل، از نظر فقهای اسلام، ازدواج موقت؛ با زنان یهودی و مسیحی به عنوان یک اصل اولی جایز است، ولی ازدواج دائم با مشرکان را همه فقهای اسلام ممنوع می‌دانند، اعم از آن‌که کتابی باشند یا غیرکتابی. ازدواج زن مسلمان با مرد غیرمسلمان هم کلاً ممنوع است؛ زیرا لازمه این ازدواج سلطه و اقتدار غیرمسلمان بر مسلمان خواهد بود؛ چون زن معمولاً تربیت همسرش را می‌پذیرد، ممکن است مرد او را به قبول دین خود مجبور کند. بررسی آراء علمای امامیه و عامه در خصوص علل و مستندات ممنوعیت ازدواج‌های یادشده، موضوع مقاله حاضر است.

### واژگان کلیدی

ازدواج، غیرمسلمان، اهل کتاب، کافر کتابی، مرتد، صائبی، تحریم نکاح

۱- تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۹/۳/۱۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۱۰/۱۸

۲- دکتری علوم قرآن و حدیث و کارشناس ارشد فقه و حقوق اسلامی؛ استادیار و معاون پژوهشی دانشگاه امام صادق؛ پردیس خاوران

## مقدمه

مسأله ازدواج با غیرمسلمان و حرمت آن از اهم مباحث حقوقی رایج در بسیاری از ممالک اسلامی به ویژه ایران است که گاهی با لفظ ازدواج با بیگانگان از آن یاد می‌شود، لذا ابتدا به تعریف این مفاهیم می‌پردازیم:

اصطلاح بیگانه از نظر فقها با اصطلاح بیگانه در اصطلاح حقوق‌دانان و قوانین کشوری متفاوت است، زیرا در اصطلاح فقها معمولاً مقصود از بیگانه، اشخاص غیرمسلمان است، ولی از نظر حقوق‌دانان هر فرد غیرایرانی بیگانه به شمار می‌آید، چه مسلمان باشد و چه غیرمسلمان. بنابراین، نسبت منطقی بین این دو اصطلاح عموم و خصوص من وجه است.

به هر حال آنچه در قوانین مدنی ایران و بعضی از دیگر کشورهای اسلامی مطرح است، بیگانه به معنای دوم است و به همین جهت در ماده ۱۰۶۰-۱۰۶۱، ازدواج مردان ایرانی با زنان خارجی مجاز و بلامانع دانسته شده است، مگر در مورد کارمندان دولت، به خصوص کارگزاران وزارت خارجه که به دلیل خطر سیاسی، چنین ازدواجی از طرف دولت منع گردیده است، ولی ازدواج زنان ایرانی با مردان غیرایرانی، مطلقاً منوط به اجازه مسؤولان کشوری ایران است. ماده ۱۰۵۹ قانون مدنی می‌گوید: نکاح مسلمه با غیرمسلم جایز نیست.

ماده ۱۰۶۰: ازدواج زن ایرانی با تبعه خارجی در مواردی که مانع قانونی ندارد، موکول به اجازه مخصوص از طرف دولت است.

ماده ۱۰۶۱: دولت می‌تواند ازدواج بعضی از مستخدمان و مأموران رسمی و محصلان دولتی را با زنی که تبعه خارجی باشد، موکول به اجازه مخصوص نماید. مقاله حاضر ممنوعیت ازدواج با بیگانگان را در سه مبحث پی می‌گیرد: در مبحث نخست، پیشینه حرمت ازدواج با بیگانگان در اسلام بیان می‌گردد. در مبحث دوم، ادله فقهی حرمت نکاح مسلمان با غیرمسلمان بررسی می‌شود و در مبحث سوم، نکاح مسلمان با غیرمسلمان از منظر حقوقی و قانونی تحلیل می‌گردد.

## مبحث اول - تاریخ تشریح ممنوعیت ازدواج با غیرمسلمان در

### اسلام

درباره تاریخ تحریم ازدواج با بیگانگان، زمان دقیقی را نمی‌توان ذکر کرد، ولی آنچه مسلم است، تحریم ازدواج با بیگانگان مربوط به دوران بعد از هجرت است. یکی از عوامل مشخص نبودن تاریخ تحریم ازدواج با بیگانگان در اسلام، این است که عملاً مسلمانان کمتر در معرض ازدواج با بیگانگان بوده‌اند؛ زیرا یهودیان و مسیحیان نیز احتمالاً بر اساس شریعت خویش از ازدواج با مسلمانان اجتناب داشته‌اند؛ بنابراین بر فرض که مسلمانان از نظر شرعی مانعی در ازدواج با اهل کتاب نداشتند، عملاً چنین ازدواجی رخ نمی‌داد. در ازدواج با مشرکان نیز به حکم این‌که با آنان درگیر جنگ بوده‌اند، به صورت طبیعی زمینه‌ای برای ازدواج مطرح نبوده است.

علامه طباطبایی می‌فرماید: بعضی عقیده دارند که مسلمانان تا سال ششم هجرت در ازدواج با همه بیگانگان مجاز بوده‌اند و آیه ۳ سوره نور<sup>۱</sup> قرینه بر همین امر است؛ زیرا در این آیه، تنها ازدواج مسلمانان با مردان و زنان زناکار منع شده، ولی زناکاران از ازدواج با زناکاری مثل خود و یا با زنان و مردان مشرک منع نشده‌اند (طباطبایی، ۱۳۶۳، ج ۱۵، ص ۱۱۳-۱۱۵).

این آیه می‌تواند قرینه خوبی بر عدم حرمت ازدواج با بیگانگان تا زمان نزول آیه بوده باشد هم آیات سوره نور به صورت کلی ظاهراً در نیمه دوم هجرت پیامبر ﷺ به مدینه، نازل شده است، زیرا در این سوره، داستان افک و مسائلی مانند حجاب و غیره آمده است که همگی مربوط به سال‌های نیمه دوم هجرت پیامبر ﷺ به مدینه می‌باشد.

آیات سوره ممتحنه نیز مربوط به دوران بعد از سال ششم بوده است؛ زیرا در باره زنان مهاجر می‌باشد که بر اساس قرارداد صلح حدیبیه، مسلمانان موظف

---

۱- الزانی لا ینکح الا زانیه او مشرکه و الزانیه لا ینکحها الا زان او مشرک و حرّم ذلک علی المؤمنین.

بوده‌اند آنان را به مکه بازگردانند، و معلوم است که صلح حدیبیه در سال ششم رخ داده است. تنها ابهامی که در آیات تحریم ازدواج وجود دارد، مربوط به آیات سوره بقره و سوره نساء می‌باشد. علامه طباطبایی می‌افزاید: سوره نساء از نظر زمان متأخر از سوره بقره است و بر این مطلب، قرآینی در قرآن وجود دارد؛ فی‌المثل، آیه ۲۴ سوره نساء<sup>۱</sup> راجع به ازدواج موقت است و تردیدی نیست که این حکم ضرورتی بوده که در جنگ‌ها برای جنگجویان مسلمان، بر اثر دوری از خانواده مطرح بوده و بر اساس نقل بسیاری از مورخان، پیامبر ﷺ به همین مناسبت به جنگجویان اجازه ازدواج موقت را داده است (طباطبایی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۱۱۶).

از جمله اموری که ملل مختلف گذشته در انتخاب همسر مراعات می‌کردند انتخاب همسری سالم از نظر اعتقادی و روحی بوده است؛ زیرا سلامت روحی - اخلاقی و اعتقادی همسر در سعادت فرزند مؤثر می‌باشد. به همین جهت مردمان از دیر باز از ازدواج با افراد غیرهم‌کیش خود اجتناب داشته‌اند. بنابراین نهی از ازدواج با بیگانه به دین اسلام اختصاص ندارد بلکه در ادیان دیگر نیز از ازدواج با بیگانه نهی شده است. چنان که در بخش‌های مختلفی از تورات، یهودیان به شدت از ازدواج با بیگانگانی که پیرو دین دیگری باشند نهی شده‌اند. در دین مسیح و زرتشت نیز همچون دین مبین اسلام، ازدواج با بیگانگان ممنوع است. این ممنوعیت مبنی بر حس ملی‌گرایی و برتری قومی نیست بلکه به جهت مصونیت اعتقادی و دور نگه داشتن پیروان از آلودگی‌های اخلاقی و حفظ اصالت خانوادگی بوده است.

آنچه امروزه در ازدواج با بیگانگان می‌تواند برای دولت مشکل آفرین باشد، ازدواج زن ایرانی با مرد غیرایرانی و ازدواج کارمندان و وابستگان به دولت با زنان خارجی است. ازدواج مردان ایرانی که مسؤولیت دولتی و به خصوص

---

۱- والمحصنات من النساء الا ما ملکت ایمانکم.

سیاسی بر عهده ندارند، معمولاً مشکلی برای دولت ایجاد نمی‌کند، جز این‌که با ازدواج مزبور، فردی به مجموع اتباع کشور افزوده می‌شود. بنابراین، عدم منع دولت از چنین ازدواجی را می‌توان نوعی تساهل در پذیرش اتباع از جانب دولت به شمار آورد.

پیر واضح است که تخلف از مقرراتی که بار سیاسی دارد و صرفاً به خاطر مصالح خاصی از جانب دولت وضع می‌گردد و از نظر شرعی بلامانع شناخته می‌شود، موجب بطلان ازدواج نخواهد بود و تنها افراد متخلف، مجازات‌هایی را که محتملاً از طرف دولت بر این تخلف تعیین می‌شود، باید متحمل گردند.

### مبحث دوم - بررسی فقهی ادله حرمت نکاح مسلمان با غیرمسلمان (غیرکتابی)

ادله فقهی حرمت نکاح با غیرمسلمان در دو حالت قابل بررسی است:

#### الف - نکاح زن مسلمان با غیرمسلمان

با نگاهی به آراء فقها درمی‌یابیم که در فقه ما هم نکاح زن مسلمان با کافر غیرکتابی حرام است (حلی، ۱۴۰۶ هـ، ص ۴۳۲؛ حلی، بی‌تا، ج ۲، ص ۵۲۷؛ زهنی، ۱۳۷۵، ص ۱۸۵؛ کاتوزیان، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۲۵). امام خمینی (ره) در این زمینه می‌فرماید: برای زن مسلمان جایز نیست که با کافر ازدواج نماید؛ دائم باشد یا انقطاعی؛ کافر اصلی حربی باشد یا کتابی؛ مرتد فطری باشد یا مرتد ملی (بازگیر، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۱۰۱). برای اثبات این مدعا، فقها به آیات قرآن و احادیثی از معصومان علیهم‌السلام استناد کرده‌اند.

آیات قرآن می‌فرماید: «به مردان مشرک تا ایمان نیاورده‌اند، زن مؤمن ندهید و برده مؤمن بهتر از مشرک است»<sup>۱</sup>.

«زنان مؤمن را نزد کافران باز مگردانید زیرا اینان به مردان کافر حلال نیستند

۱- و لا تنکحوا المشرکین حتی یؤمنوا و لعبد مؤمن خیر من مشرک (بقره، ۲۲۱).

و مردان کافر نیز بر آنها حلال نیستند»<sup>۱</sup>.

شیخ صدوق در کتاب *علل الشرایع* در مورد این که چرا ازدواج مردان با زنان مستضعف از صائبی‌ها و... جایز است ولی زنان حق ندارند با چنین مردانی ازدواج کنند، روایتی از زراره نقل کرده که امام صادق علیه السلام در آن فرموده است: «با زنان شکاک و مردد در دینشان، ازدواج کنید و زنان مسلمان را به شکاکان تزویج ننمایید، زیرا زن از شوهرش تربیت می‌پذیرد و شوهر او را مجبور می‌کند که به آیین وی در آید» (قمی، ۱۳۹۸ هـ.ج، ۲، ص ۵۰۲). بنابراین روایت، امکان اثرپذیری زنان مردد در دین خود از شوهران مسلمان وجود دارد و این دلیلی بر صحت نکاح مزبور خواهد بود. باز به همین دلیل، نکاح مسلمه با غیرمسلم جایز نیست. حرمت و بطلان نکاح زن مسلم با مرد غیر مسلم شامل نکاح منقطع نیز می‌شود و فرقی نمی‌کند که کافر مشرک باشد یا اهل کتاب، ذمی باشد یا حربی و مرتد نیز کافر محسوب می‌شود خواه فطری باشد خواه ملی.

اگر شوهر در زمان نکاح کافر شود، نکاح نیز خود به خود منفسخ می‌گردد. با این وجود در خصوص اسلام آوردن زن یا شوهر کافر فروض متعددی متصور است: ۱- هرگاه شوهر اسلام آورد و زن او غیرمسلم و کتابی باشد، نکاح به قوت خود باقی می‌ماند و منفسخ نمی‌شود.

۲- هرگاه شوهر اسلام آورد و زن او غیرمسلم بماند، چنانچه این امر قبل از واقعه بین آن دو باشد، باید تا انقضای عده صبر نماید. در این صورت اگر زن پیش از اتمام عده اسلام آورد، نکاح به حال خود باقی می‌ماند و الا نکاح آنان از زمان اسلام شوهر منفسخ شده است و در چنین حالتی، مادام که زن در مدت عده، مسلمان نشود، نزدیکی شوهر با او حرام می‌باشد.

۳- هر گاه زن اسلام آورد و شوهر او کافر باشد، نکاح آنان منفسخ می‌گردد. در صورتی که این امر قبل از نزدیکی باشد نکاح خودبه‌خود منحل می‌شود. در

---

۱- فلا ترجعوهن الی الکفار لا هن حلّ لهم و لا هم یحلّون لهنّ (ممتحنه، ۱۰).

صورتی که بعد از نزدیکی باشد، انفساخ آن متوقف بر انقضای عدّه است. لذا هر گاه در عدّه زن، شوهر به کفر خود باقی ماند، نکاح از زمان اسلام آوردن زن منفسخ می‌شود. دلیل عقلی هم که فقها در مورد این قاعده آورده‌اند، این است که اگر زن مسلمان با مرد غیرمسلمان ازدواج کند، چه بسا از لحاظ دینی مورد تحقیر و تمسخر شوهر قرار گیرد و ممکن است در نتیجه نفوذ شوهر دست از اسلام بردارد. و در هر حال چنین ازدواجی موجب سعادت و خوشبختی زن و مرد نخواهد بود (حلی، ۱۴۱۰هـ ج ۲، ص ۲۰۲؛ ضیایی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۱۲۷).

از آنچه گفته شد، معلوم می‌گردد که حکم «منع نکاح زن مسلمان با مرد غیر مسلمان» مورد اتفاق کلیه فرق اسلامی اعم از شیعه و سنی است و مبنای آن علاوه بر اجماع، بعضی آیات قرآنی و نیز دلیل عقلی است. در مورد ازدواج زن مسلمان با مرد کافر، هم فرق نمی‌کند که مرد کافر اهل‌کتاب باشد یا غیر اهل‌کتاب چون ملاک حرمت که کافر بودن و دعوت به غیراسلام و به تعبیر قرآن دعوت به سوی آتش<sup>۱</sup> و منع سلطه کافر بر مسلمان است، در هر دو وجود دارد (کاظم‌زاده، ۱۳۸۲، ص ۱۴۱). پس این گونه ازدواج‌ها، چه دائم و چه متعه، حرام و باطل است.

### ب - نکاح مرد مسلمان با زن غیرمسلمان

در فقه اسلامی چه شیعه و چه سنی بالاجماع و به اتفاق، ازدواج مرد مسلمان با زن کافر غیر کتابی هم باطل است (جرعاملی، ۱۴۲۰هـ ص ۱۸۹؛ قرطبی، ۱۴۰۱هـ ج ۲، ص ۴۴).

در قرآن کریم همه آیاتی که در این زمینه وجود دارد، صریحاً یا تلویحاً ازدواج با مشرکان و کفار را نهی کرده است (کاظم‌زاده، ۱۳۸۲، ص ۱۴۱).

آیات زیر در قرآن کریم دال بر حرام بودن ازدواج مرد مسلمان با زن کافر است و فقهای ما هم بر این آیات استدلال و حکم کلی را صادر کرده‌اند:

۱- «با زنان مشرک ازدواج نکنید تا ایمان بیاورند. قطعاً کنیز با ایمان بهتر از

۱- اولئک یدعون الی النار (بقره، ۲۲۱).

زن مشرک است، هر چند زیبایی او شما را به شگفت آورد»<sup>۱</sup>.

۲- «به پیوندهای قبلی کافران متمسک نشوید»<sup>۲</sup>.

۳- «آنان (مشرکان) شما را به سوی آتش فرا می‌خوانند و خداوند شما را به سوی بهشت و آمرزش می‌خواند»<sup>۳</sup>.

طبعاً میان آن‌که به سوی آتش دعوت می‌کند و آن‌که به سوی بهشت فرا می‌خواند، همبستگی و هماهنگی وجود ندارد.

فقها همچنین به احادیثی از ائمه استناد کرده‌اند که در آن‌ها به آیاتی از قرآن کریم اشاره شده است. از جمله از امام محمدباقر علیه السلام نقل کرده‌اند که فرمود: آیه «والمحصنات من الذین اتوا الكتاب» (مائده، ۵) توسط آیه «ولا تمسکوا بعصم الکوافر» (ممتحنه، ۱۰) منسوخ نشده است (حرعاملی، ۱۳۸۴ هـ، ج ۷، ص ۴۱۰).

با توجه به همه آنچه گفته شد، آراء فقهای امامیه از این قرار است: «لا تحل النکاح المسلم مع غیر مسلمه» (حلی، ۱۴۰۶ هـ، ص ۴۳۲).

ازدواج مرد مسلمان با زن کافر در اسلام تحریم شده و فلسفه این تحریم ظاهر و آشکار است و آن عدم امکان برخورد و هماهنگی میان اسلام و ثنویت است. عقیده توحید خالص متضاد و متناقض با عقیده شرک محض است (قرضاوی، ۱۳۸۲، ص ۵۷۶). و نیز عدم تحقق انسجام و اطمینان و همکاری بین زوجین است. زیرا تباین عقیده موجب اضطراب و تنش و تنافر بین زوجین می‌گردد و بنابراین زندگی زناشویی بر پایه‌های دوستی و رحمت و محبت و آرامش، مستقر و استوار نمی‌گردد (کاظم زاده، ۱۳۸۲، ص ۱۴۱).

محمدبن ادریس شافعی، رئیس مذهب شافعی از اهل سنت، در کتاب الام می‌گوید: زنان اهل کتاب (اعم از حربی و معاهد) بر مسلمانان حلالند هر چند ما

۱- ولا تتکحوا المشرکات حتی یؤمنن ولامه مؤمنه خیر من مشرکه و لو أعجبتکم (بقره، ۲۲۱).

۲- ولا تمسکوا بعصم الکوافر (ممتحنه، ۱۰).

۳- اولئک یدعون إلى النار والله یدعو إلى الجنة و المغفره یاذنه (بقره، ۲۲۱).



ترجیح می‌دهیم که مرد مسلمان با زنان غیرمعاهد از اهل کتاب ازدواج نکند؛ زیرا ممکن است فرزندان او به رقیت گرفتار آیند، همچنان که ازدواج با زن مسلمانی که در میان اهل حرب حضور دارد، مکروه است؛ زیرا ممکن است فرزندان وی، اسیر کفار شوند و به بردگی گرفتار آیند و از نظر عقیدتی نیز در معرض خطر قرار گیرند. با این حال، ازدواج با آنان حرام نیست (شافعی، ۱۴۰۸ هـ ج ۴، ص ۲۶۴).

فقیه معروف حنفی، شمس‌الدین سرخسی، ضمن این‌که کفو بودن را شرط صحت نکاح دانسته و نظر ابوحنیفه را درباره ازدواج مرد غیرعرب با زن عرب صحیح نمی‌داند؛ ازدواج برده مسلمان با زن آزاد را نیز بر اساس همین شرط، باطل می‌داند؛ ولی ازدواج مرد مسلمان با زنان اهل کتاب را به حکم آیه پنجم از سوره مائده جایز دانسته؛ البته در مورد زنان زرتشتی، این ازدواج را صحیح نمی‌داند، زیرا به اعتقاد سرخسی، زرتشتیان اهل کتاب نیستند (سرخسی، ۱۴۰۳ هـ ج ۵، ص ۲۲).

آن‌گاه سرخسی در رد روایتی که ابن‌اسحاق در تفسیر خود از علی رضی الله عنه نقل کرده است مبنی بر این‌که زرتشتیان نیز اهل کتاب هستند، می‌نویسد: این روایت، مخالف نص قرآن کریم است که می‌فرماید: «تا نگوئید که تنها بر دو طائفه پیش از ما کتاب نازل شده است»<sup>۱</sup>.

زیرا این آیه شریفه می‌گوید تنها دو طایفه پیش از مسلمانان دارای کتاب بوده‌اند، و لذا اگر زرتشتیان را نیز اهل کتاب بدانیم، لازمه‌اش این است که سه طایفه اهل کتاب بوده باشند، و این مخالف قرآن است.

سرخسی همچنین ازدواج با صابئین را - طبق نظر ابوحنیفه - جایز می‌داند، ولی بر اساس رأی محمد شیبانی و قاضی ابویوسف، ازدواج با صابئین را نیز باطل می‌شمارد.

فقیه دیگر حنفی، ابن قدامه، در مغنی می‌نویسد: علمای اسلام بر جواز ازدواج با

۱- ان تقولوا انما انزل الكتاب على طائفتين من قبلنا (انعام، ۱۵۶).

زنان اهل کتاب اجماع دارند و تنها امامیه به استناد آیه ۱۰ سوره ممتحنه<sup>۱</sup> و آیه ۲۲۱ سوره بقره<sup>۲</sup> ازدواج با آنان را جایز ندانسته‌اند.

دلیل ما بر جواز، آیه سوره مائده است که می‌فرماید: «امروز حلال شد بر شما ... زنان پارسا از آنانی که پیش از شما به ایشان کتاب داده شده بود»<sup>۳</sup>.

بعضی از علما این آیه سوره مائده را منسوخ به آیه ۲۲۱ بقره و ۱۰ ممتحنه دانسته‌اند، ولی این مطلب صحیح نیست، زیرا واژه مشرکات، شامل اهل کتاب نمی‌شود؛ زیرا از واژه مشرک به مفهوم اصطلاحی آن، تنها بت‌پرستان قصد می‌شده است و سوره ممتحنه عام است و سوره مائده خاص، و لذا نسخ مفهوم ندارد، ولی از آن جا که عمر از این گونه ازدواج منع می‌کرده است، ازدواج با بیگانگان از اهل کتاب مکروه خواهد بود.

ابن قدامه در عین حال معتقد است که واژه «اوتوا الکتاب» در آیه ۵ سوره مائده تنها شامل یهودیان و مسیحیان می‌شود، اما ازدواج با اصناف دیگر - اعم از زرتشتی و صابئی - همانند مشرکان، جایز نخواهد بود؛ زیرا آیه «ولا تمسکوا بعصم الکوافر» شامل همه اصناف کفار می‌شود و با آیه سوره مائده، تنها یهودیان و مسیحیان را می‌توان از دایره تحریم خارج ساخت (مقدسی، بی‌تا، ج ۷، ص ۵۰۱-۵۰۷).

شیخ طوسی می‌نویسد: مشرکان بر سه قسمند: اهل کتاب، غیراهل کتاب (بت‌پرستان)، و کسی که شبیه اهل کتاب بودن در مورد او هست.

در مورد اهل کتاب، یعنی یهود و نصارا، فقهای شیعه معتقدند که تزویج با آن‌ها جایز نیست و ذبایح آنان نیز حلال نمی‌باشند، ولی همه فقهای عامه، اکل ذبایح و نکاح با زنان آزاد آن‌ها را جایز دانسته‌اند. سامره و صابئین را نیز بعضی جزو قوم یهود و نصارا دانسته‌اند؛ ولی صحیح این است که صابئان نصرانی نیستند،

۱- ولا تمسکوا بعصم الکوافر (ممتحنه، ۱۰).

۲- ولا تنکحوا المشرکات... (بقره، ۲۲۱).

۳- والمحصنات من الذین اوتوا الکتاب من قبلکم (مائده، ۵).

زیرا ستارگان را می‌پرستند و لذا نکاح با زنانشان و خوردن ذبایح آنان حلال نخواهد بود. ازدواج با زنان پیرو کتاب‌های آسمانی دیگر، مثل صحف ابراهیم و زبور د/ود نیز جایز نیست.

اما ازدواج با گروه دوم، یعنی بت‌پرستان نیز جایز نمی‌باشد و گروه سوم یعنی زرتشتیان را که شبهه کتابی بودن در مورد آنان هست، بعضی دارای کتاب دانسته‌اند، بعضی نه. لذا جز ابو‌ثور از عامه، هیچ یک از فقها ازدواج با آنان را جایز ندانسته‌اند و اصحاب ما از امامیه، ازدواج موقت با اهل کتاب را جایز دانسته و حدیثی نیز در جواز تمتع از زرتشتی روایت کرده‌اند (طوسی، بی‌تا، ج ۴، ص ۲۱۰).

مقدس اردبیلی در تفسیر *زبدۃ‌البیان فی احکام القرآن*، ذیل آیه ۲۵ از سوره نساء معتقد است: ظاهر آیه می‌رساند که ازدواج مسلمان با غیرمسلمان (چه کتابی چه غیرکتابی) جایز نیست؛ زیرا قید مؤمنات در آن دوبار تکرار شده است. ولی از آن جا که این ظهور مربوط به مفهوم وصف است، حجیت ندارد، بنابراین، آیه مورد بحث، تعارضی با آیات حلیت نکاح با اهل کتاب ندارد.

بعضی، از آیه فوق‌الذکر استفاده کرده‌اند که با توجه به مفهوم شرط، ازدواج با کنیزان در صورتی که توانایی ازدواج با زنان آزاد باشد، جایز نیست. ولی حق این است که آیه شریفه، صراحت در شرط ندارد و تنها ترجیح ازدواج با زن آزاد، از آن فهمیده می‌شود؛ زیرا مفهوم آن گاه حجت است که برای قید، فایده‌ای غیر از نفی حکم نباشد، ولی در این جا فایده دیگری وجود دارد و آن، ترغیب به نکاح است و این که نکاح زن آزاد اولی است. بنابراین، معنای آیه این است که اگر ازدواج با فرد اعلا، یعنی زن مسلمان آزاد ممکن باشد، عقلاً و شرعاً مقدم است و گرنه می‌تواند با فرد ادنا ازدواج کند. علاوه بر این سیاق آیه می‌رساند که آیه در صدد ارشاد است، نه در صدد امر و نهی (اردبیلی، بی‌تا، ص ۵۱۸).

---

۱- ومن لم یستطع منکم طولا ان ینکح المحصنات المؤمنات فمن ما ملکت ایمانکم من فتياتکم المؤمنات (نساء، ۲۵).

صاحب جواهر نیز در این موضوع، پس از آن که حرمت نکاح مسلمان با زن غیرکتابی را مورد اجماع فقهای مسلمان می‌داند، می‌فرماید: تنها صاحب کتاب خلاف، از بعضی اصحاب حدیث، قول به جواز نکاح با غیرکتابی را نقل کرده است، که ما آن را نیاقتیم؛ ولی کسی جز صاحب خلاف چنین مطلبی نقل نکرده است.

در مورد ازدواج با زنان اهل کتاب نیز می‌فرماید: مقتضای تحقیق این است که ازدواج با آنان جایز است، چه به صورت دائم، چه منقطع و چه ملک یمین. اعم از این که شخص قدرت ازدواج با زن مسلمان را داشته باشد یا نداشته باشد؛ خواه زن مسلمانی را در [عقد] ازدواج خود داشته باشد یا نداشته باشد؛ زیرا اولاً - خداوند در آیه پنجم سوره مائده، به صورت مطلق، ازدواج با زنان اهل کتاب را جایز دانسته است و فرض بر این است که سوره مائده، آخرین سوره قرآن است و احکام آن قابل نسخ به آیات دیگر نیست، و لذا از پیامبر(ص) روایت شده که «سوره مائده، آخرین بخش قرآن است که نازل شده، پس حلال آن را حلال شمارید و حرامش را حرام»<sup>۱</sup>.

از امامان معصوم علیهم السلام نیز نقل گردیده است که فرموده‌اند: از سوره مائده چیزی نسخ نشده است (نجفی، ۱۳۶۲، ج ۳، ص ۴۲).

از آنچه گفته شد، می‌توان چنین نتیجه گرفت که: فقیهان شیعه در مورد ازدواج ابتدایی با زنان یهودی و مسیحی نظرات متفاوتی دارند که عبارت است از:

۱- حرام بودن ازدواج دائم و موقت با زنان یهودی و مسیحی. ابن ادریس، شیخ مفید و سیدمرتضی این قول را اختیار کرده‌اند (حلی، بی تا، ج ۲، ص ۱۲۳).

۲- جایز بودن ازدواج موقت با این زنان حتی در صورت اختیار، و جایز بودن ازدواج دائم با آنان تنها در صورت اضطرار. فتوای شیخ طوسی در برخی از کتاب‌هایش و ابن حمزه و ابن برآج طرابلسی چنین است (طوسی، ۱۳۸۷هـ، ج ۲، ص ۸۵).

---

۱- سورة المائدة آخر القرآن نزولا فاحلوا حلالها و حرموا حرامها.

۳- جایز نبودن عقد ازدواج با ایشان به صورت مطلق یعنی هم عقد دائم و هم موقت، در هر دو صورت اختیار و اضطرار، بنابر نقل محقق ثانی در جامع المقاصد این فتوا قول دیگر شیخ مفید در مسأله است.

۴- جایز نبودن ازدواج موقت با این زنان و حرام بودن ازدواج دائم با ایشان. در میان فقیهان، ابوالصلاح حلبی، سلار، ابن حمزه و محقق صاحب شرایع قول حرام بودن ازدواج دائم و موقت با ایشان در فرض اختیار و جواز دو قسم ازدواج، در صورت اضطرار را اختیار کرده‌اند. بنابر نقل محقق ثانی در جامع المقاصد که ابن جنید این قول را پذیرفته است.

۵- جایز بودن ازدواج با ایشان به هر دو صورت دائم و موقت. این قول فقیهان پیشین شیعه طرفدار چندانی ندارد و تنها شمار اندکی مانند ابن ابی عقیل و شیخ صدوق آن را پذیرفته‌اند؛ اما در میان فقیهان پسین به تدریج به طرفداران این قول افزوده شده است. از جمله صاحب جواهر، همین نظر را تقویت و استوار کرده است (نجفی/صفهانی، ۱۹۹۲م، ج ۳۰، ص ۶۷).

## مبحث سوم - تحلیل حقوقی جواز و حرمت نکاح مسلمان با

### غیرمسلمان

قانون مدنی ایران در مورد ازدواج مرد مسلمان با زن کافر، ساکت است و حکم صریحی ندارد. اما از مفهوم مخالف ماده ۱۰۵۹ قانون مدنی می‌توان استنباط کرد که ازدواج مسلم با غیرمسلمه منعی ندارد. بعضی از حقوق‌دانان هم این احتمال را مطرح کرده‌اند که چون سلب آزادی در نکاح نیازمند حکم صریح است و چنین تصریحی در قانون وجود ندارد، شاید بتوان گفت ازدواج زن کافر به طور مطلق جایز است. بنابراین با توجه به آیات وارده و احادیث و روایات مذکور و حرمت ازدواج مرد مسلمان با زن کافر غیرکتابی در فقه اسلامی و رعایت اصل چهارم قانون اساسی و مشکل بودن استنباط مفهوم مخالف از ماده ۱۰۵۹ قانون مدنی مبنی بر جایز بودن نکاح مرد مسلمان با زن کافر غیرکتابی مشکل بوده،

صحیح به نظر نمی‌رسد به ویژه این‌که با وجود منهیات مذکور در فقه اسلامی، در مقام سکوت نمی‌توان به آن استناد کرد و نکاح مزبور را جایز دانست. پس به موجب ماده ۳ قانون آیین دادرسی مدنی در موارد اجمال و نبودن قانون طبق حقوق امامیه رفتار می‌گردد (مامی، ۱۳۷۶، ص ۳۴۳). بنابراین، با توجه به آرای اجماعی فقها علی‌رغم مسکوت بودن حکم قانون مدنی، ازدواج مرد مسلمان با زن کافر حرام است و در صورت ازدواج کردن، آن ازدواج باطل خواهد بود.

طبق ماده ۱۰۵۹ قانون مدنی ایران، نکاح زن مسلمان ایرانی با مرد غیرمسلمان جایز نیست و براساس ماده ۱۰۶۰ همین قانون، ازدواج زن ایرانی با تبعه خارجی در مواردی هم که مانع قانونی نداشته باشد، موکول به اجازه مخصوص از طرف دولت ایران است. حتی دولت می‌تواند بر اساس ماده ۱۰۶۱ قانون مدنی ازدواج بعضی مستخدمان و مأموران رسمی و محصلان دولتی را با زنی که دارای تابعیت خارجی باشد، موکول به اجازه مخصوص کند؛ و الا هر فرد خارجی که بدون اجازه قانونی با زن ایرانی ازدواج کند به حبس تأدیبی از یک تا سه سال محکوم خواهد شد. اینک به قوانین و مقرراتی اشاره می‌کنیم که به موجب آن بانوان ایرانی می‌توانند با مردان خارجی (غیرایرانی) ازدواج کنند:

طبق ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی، ازدواج زن ایرانی با تبعه خارجی در مواردی هم که مانع قانونی ندارد، موکول به اجازه مخصوص از طرف دولت است. از لحن ماده ۱۰۵۹ به خوبی برآید که مقصود قانون‌گذار جلوگیری از زناشویی زن مسلمان با مرد غیرمسلمان بوده است.

اصل چهارم قانون اساسی می‌گوید: کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزائی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر این‌ها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان است. همچنین اصل ۷۲ قانون اساسی اشاره دارد بر این‌که مجلس شورای اسلامی نمی‌تواند قوانینی وضع کند که با اصول و احکام مذهب رسمی کشور یا قانون

اساسی مغایرت داشته باشد. تشخیص این امر به ترتیبی که در اصل نود و ششم آمده، بر عهده شورای نگهبان است. پس هر جا اجمالی در حکم قانون پیش آید، در تفسیر آن باید جهتی انتخاب شود که با احکام شرع منطبق باشد (کاتوزیان، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۲۵). به موجب ماده ۱۰۵۹، چنانچه پیشتر گفته شد، زن مسلمان نیز نمی‌تواند با مرد غیرمسلمان نکاح نماید و عموم آن بر انواع نکاح (دائم و منقطع) شمول دارد (محقق داماد، ۱۳۸۵، ص ۱۵۰). این حکم قانون مدنی، ریشه قرآنی دارد و مبتنی بر فقه اسلامی است. فلسفه و حکمت آن نیز مبتنی بر حفظ اعتقادات اسلامی زن و بیم اثرپذیری وی از عقیده و رفتار کفرآمیز شوهر است. اسلام برای حفظ اعتقاد و هویت اسلامی مسلمانان، اهمیت زیادی قائل است و ازدواج کافر و مسلمان، طبعاً احتمال این تأثیر و تأثر را دارد و ممکن است زن تحت تأثیر شوهر، دست از اسلام بردارد. بنابراین، نکاح زن مسلمان با مرد غیرمسلمان به اتفاق و اجماع مسلمانان حرام است. فقیهان علاوه بر استناد به برخی آیات قرآنی که سلطه کافر را بر مؤمن منع کرده است، معتقدند چون زوج، معمولاً زوجه را به دین خود می‌خواند و زنان نیز عادتاً از مردان تبعیت می‌کنند، پس در این ازدواج احتمال وقوع مؤمنه در کفر وجود دارد، لذا ازدواج زن مسلمان با مرد کافر موجب سلطه کافر بر مسلمان است و باید ممنوع باشد. نکاح با مرتد و مرتده احکام ویژه‌ای دارد که می‌تواند در مقاله جداگانه‌ای بررسی شود.

### یافته‌های پژوهش

بر اساس خلقت الهی، طبیعت زن لطیف‌تر و احساسی‌تر از مرد است و بیشتر از وی از افکار و رفتار دیگران اثر می‌پذیرد. با توجه به ادله ذکر شده می‌توان نتیجه گرفت که زن مسلمان به دلایل ذیل نمی‌تواند با مردی از اهل کتاب ازدواج نماید:

۱- قرآن کریم هر گونه تسلط و حکمرانی کفار بر مسلمین را در تمام امور اجتماعی، سیاسی و خانوادگی نفی می‌کند و دستور می‌دهد که مسلمانان عزتشان

را حفظ کنند و تحت سیطره قرار نگیرند. از سوی دیگر، اطاعت زن از مرد زندگی را استحکام می‌بخشد و اگر زن مسلمان با مردی از اهل کتاب ازدواج کند، به خاطر استحکام زندگی باید اوامر و نواهی او را اجرا نماید و چه بسا تربیت و رفتار همسرش را بپذیرد. در این حال ممکن است مرد او را به قبول دین خود مجبور کند. بنابراین، زن مسلمان ممکن است پس از ازدواج با اهل کتاب، کافر شود. از این رو اسلام چنین پیوندی را به صلاح زن مسلمان نمی‌داند.

۲- از آنجا که ازدواج، ارث و سایر حقوق مالی و غیرمالی زن که مرتبط با ازدواج است، با پذیرش اسلام مشروعیت پیدا می‌کند و صحت عقد بر اساس آن مترتب می‌شود، تسلط غیرمسلمان بر مسلمان هم جایز نیست و عزت انسان مؤمن باید حفظ شود. لذا ازدواج زن مسلمان با مرد کتابی ممنوع به شمار می‌آید و این مسأله نه فقط ازدواج ابتدایی را شامل است، بلکه بر اساس روایات، زنی که همسر مرد کتابی بوده و مسلمان شده است باید از او جدا شود. پس وقتی ادامه زندگی یک مسلمان با غیرمسلمان جایز نیست، ازدواج ابتدایی با او به طریق اولی ممنوع خواهد بود.

۳- بررسی قوانین جمهوری اسلامی نیز حاکی از عدم جواز ازدواج زن مسلمان با غیر مسلمان است و ازدواج زن ایرانی با تبعه خارجی در مواردی هم که مانع قانونی نداشته باشد، موکول به اجازه مخصوص از طرف دولت ایران است. این همه نشان‌دهنده حرمت ازدواج زن مسلمان با غیرمسلمان است. اما در مورد ازدواج مرد مسلمان با زن غیرمسلمان، قول مشهور فقها حرمت ازدواج در عقد دائم است ولیکن در عقد موقت، آراء متفاوت است و برخی از فقها ازدواج موقت را جایز می‌دانند.



## منابع و مأخذ

### ✓ قرآن کریم

- ✓ اردبیلی، محمدبن علی (مقدس اردبیلی)، *زبدةالبيان فى احكام القرآن*، تهران، مکتبه المرتضويه لاحياء الآثار الجعفریه، بی تا
- ✓ امامی، حسن، *حقوق مدنی*، تهران، کتاب فروشی اسلامیه، ۱۳۷۶، چاپ چهاردهم
- ✓ بازگیر، یدالله، *حقوق خانواده*، تهران، فردوسی، ۱۳۷۸، چاپ اول
- ✓ جبعی عاملی، زین الدین (شهیدثانی)، *الروضه البهیه فى شرح اللمعه الدمشقیه*، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۱۶هـ چاپ نهم
- ✓ حر عاملی، علی، *نهایه المرام*، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۲۰هـ چاپ دوم
- ✓ حرعاملی، محمدبن حسن، *وسائل الشیعه*، بیروت، احیاء التراث العربی، ۱۳۸۴هـ
- ✓ حلّی، احمد بن ادریس، *کتاب السرائر*، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، بی تا
- ✓ حلّی، حسن بن یوسف، *ارشاد الانهان إلى احکام الایمان*، قم، نشر اسلامی، ۱۴۱۰هـ چاپ اول
- ✓ حلّی، یحیی بن سعید، *الجامع للشرایع*، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۰۶هـ / ۱۹۸۶م، چاپ دوم
- ✓ ذهنی تهرانی، محمد جواد، *المباحث الفقهیة فى شرح الروضه البهیه*، تهران، وجدانی، ۱۳۷۵، چاپ سوم
- ✓ سرخسی، شمس الدین، *مبسوط*، دارالدعوه، استانبول، ۱۴۰۳هـ
- ✓ ضیایی، میرحسین و امامی، اسدالله، *حقوق خانواده*، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۲، چاپ نهم
- ✓ طوسی، حسن بن علی، *الخلاص*، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، بی تا
- ✓ \_\_\_\_\_، *المبسوط فى فقه الامامیه*، تهران، مکتبه المرتضويه لاحیاء الآثار

الجغفریه، ۱۳۸۷ هـ چاپ سوم

✓ *المبسوط*، المكتبه المرتضویه لاحیاء الآثار الجعفریه، تهران، بی تا

✓ قرضاوی، یوسف، *دیدگاه‌های فقهی معاصر*، مترجمه احمد نعمتی، بی جا، احسان، ۱۳۸۲

✓ قرطبی، احمد بن رشد، *بدایه المجتهد و نهایه المقتصد*، بیروت، دارالمعرفه، ۱۹۸۱ م / ۱۴۰۱ هـ چاپ پنجم

✓ کاتوزیان، ناصر، *حقوق مدنی خانواده*، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۵، چاپ هفتم

✓ کاظم زاده، علی، *تفاوت حقوق زن و مرد در نظام حقوقی ایران*، تهران، میزان، ۱۳۸۲، چاپ اول

✓ کیائی، عبدالله، *قانون مدنی و فتاوی امام خمینی (ره)*، تهران، سمت، ۱۳۸۴

✓ محقق داماد، مصطفی، *بررسی فقهی حقوق خانواده*، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۸۵، چاپ سیزدهم

✓ مقدسی، عبدالله بن احمد (ابن قدامه)، *المغنی*، دارالکتب العربی، بیروت، بی تا

✓ موسوی خمینی، روح الله، *تحریر الوسیله*، قم، نشر اسلامی التابعه لجماعه المدرسین، ۱۴۰۴ هـ چاپ دوم

✓ نجفی اصفهانی، محمد حسن، *جواهر الکلام*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲

✓ *جواهر الکلام*، بیروت، دارالمورخ العربی، ۱۹۹۲ م